

کشف جسد

د خرمعتاد

جسد دختر معتاد بعد از دو شبانه روز در گودالی در غرب تهران کشف شد. روز چهارشنبه بیست وهفتم دی امسال ماموران کلانتری ستارخان موقع گشت زنی در حوالی پل جناح با جسد دختر جوانی در یک گودال آب روبه رو شدند.. ماموران مرگ مشکوک این دختر جوان را به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع دادند. تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات بیشتر به محل اعزام شدند. تحقیقات اولیه تیم جنایی نشان داد که آثار کبودی روی بدن او وجود دارد و بیش از دو شبانه روز از مرگ او گذشته است. همچنین در آن حوالی باتوق معتادان بوده است. ظواهر دختر فوت شده شبیه معتادان کارتن خواب بود. قرارشد پزشکی قانونی علت مرگ این دختر جوان رامشخص کند. بررسی هابرای شناسایی خانواده اش ادامه دارد.

خودکشی

بعد از جنایت

مردی که با اسلحه شکاری، خانمی ۲۵ ساله را به قتل رسانده بود، بعد از قتل در مغازه عطرفروشی به زندگی خود پایان داد. سرهنگ فرج شجاعی، فرمانده انتظامی شیراز در این باره به جام جم گفت: عصر بیست وهفتم دی امسال در پی اعلام شهروندان به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تراندازی منجر به قتل در یک مغازه عطرفروشی در خیابان قصرالدشت شیراز، ماموران برای بررسی ماجربه آنجا اعزام شدند. در بررسی های اولیه مشخص شد که مردی ۶۵ ساله، پس از درگیری با خانمی ۲۵ ساله و قتل او باسلاح شکاری، با همان سلاح، به زندگی خود پایان داده است. تحقیقات پلیسی برای مشخص شدن انگیزه این جنایت ادامه دارد.



جزئیات اختصاصی «جام جم» از دومین جلسه دادگاه متهمان قتل داریوش مهرجویی و همسرش

ناگفته‌های شب جنایت

دومین و آخرین جلسه رسیدگی به پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی فر، صبح پنجشنبه در سالن اصلی دادگستری کرج به صورت علنی برگزار شد. در این جلسه اسکندرز میرویس که در پی برایی خانه و اتاق خواب در قتل

این زوج نقش داشتند به دفاع از خود پرداختند و ناگفته‌هایی از این جنایت هولناک را بازگو کردند.

کریم، متهم اصلی پرونده در این جلسه هم منکر حضور در محل جنایت و کشتن مرحوم مهرجویی و همسرش شد. این در حالی است که شواهد پرونده و اعترافات سه متهم دیگر او را به عنوان طراح این جنایت معرفی کرده است. در ابتدای جلسه پنجشنبه، رئیس دادگاه گفت: افرادی که ضرورت دارد در دادگاه حاضر باشند را دعوت کرده و در اینجا حضور دارند. اولیای دم به دادگاه نیامده و وکلای آنها حضور دارند. متهمان هم همراه وکلای خود در دادگاه حاضر شده و به دلیل این که یکی از متهمان زیر ۱۸ سال است نماینده بهزیستی هم در دادگاه حضور دارد. پس از آخرین دفاعیات متهمان و وکلای آنها، رئیس دادگاه پس از ۶۰۰ ساعت رسیدگی، ختم دادگاه را اعلام کرد. رئیس کل

محمد غمغوار
ادبیر گروه حوادث

اسکندر

روایت قتل وحیده محمدی فر

اولین متهمی که در جلسه دوم دادگاه در جایگاه قرار گرفت، اسکندر بود؛ متهمی که به نوعی جعبه سیاه پرونده بود و با دستگیری او، جزئیات این جنایت فاش شد. سه متهم پس از دستگیری در تلاش بودند پای اسکندر به پرونده باز نشود اما پازل گمشده اعترافات آنها این احتمال را مطرح کرد که نفر چهارمی هم در این جنایت نقش دارد که پس از بازجویی از داوود، تنها متهم زیر ۱۸ سال پرونده، هویت آخرین متهم پرونده هم فاش شد. قاضی یوسف فلاحي، رئیس شعبه یکم دادگاه کیفری یک استان تهران پس از قرار گرفتن اسکندر در جایگاه گفت: با توجه به تحقیقات صورت گرفته، محتویات پرونده و کیفرخواست، متهم به شروع به قتل نسبت به مرحوم محمدی فر به دلیل اقرارای که داشته اید، مباشرت در ضرب عمدی با چاقو، مشارکت در سرقّت مسلحانه در شب ورود به عنف، اخفای ادله جرم ورود و اقامت غیرمجاز به کشور هستید، اتهام خود را قبول دارید؟ اسکندر، بله، همه را قبول دارم.

رئیس دادگاه: توضیح بده، اولین بار چطور وارد خانه مرحوم مهرجویی شدید؟

اسکندر: حدود یک هفته قبل از قتل، کریم- متهم ردیف اول - زنگ زد و گفت برویم جایی برای دزدی. گفتیم کجا؟ گفت داخل شهرک مردی هست خیلی پولدار، خارج میره و دلار و یورو داره. من آقای مهرجویی را نمی‌شناختم و کریم حرفی از قتل نزد و فقط گفت میرویس و داوود هم در این سرقّت با ما همراه هستند. غروب ساعت ۱۷ و ۲۰ دقیقه از سرکار به محل قرار رفتیم.

رئیس دادگاه: محل قرار کجا بود؟

اسکندر: کنار دیوار شهرک در جاده اصلی. من آخرین نفری بودم که به آنجا رسیدم، داخل شهرک رفتیم، کریم دو چاقو آورده بود. هواتاریک شده بود اما نمی‌دانم ساعت چند بود، وقتی به خانه رسیدیم، اول کریم از بالای ترده وارد شد، بعد میرویس و بعد من و داوود وارد شدیم. کریم سمت در آشپزخانه رفت که خانم سایه‌اش را دید و گفت کیه؟ کریم صدایش را عوض کرد و گفت در باز کن. خانم گفت وایسا الان زنگ می‌زنم پلیس. کریم سمت ما آمد گفت امشب نمی‌شود، برگردیم.

رئیس دادگاه: روز قتل چه اتفاقی افتاد؟

اسکندر: ظهر شنبه دوباره زنگ زد و گفت بیا امروز کار را تمام کنیم. وقتی به محل قرار آمدم، کریم همان چاقوها را آورده بود. از مسیر قبلی وارد شدیم. کریم اول وارد شد و از ما خواست پشت برگ‌های اویزان از



عکس: رورایت عمومی دادگستری البرز

نرده مخفی شویم. اوضاع را بررسی کردی و گفت بیایید داخل. با دست علامت داد و ما وارد شدیم. من تا حالا وارد ویلا نشده بودم و کریم مسیر را به ما نشان می‌داد. چاقوی دسته زرد را به من داد و چاقوی دسته قهوه‌ای دست خودش بود. بعد دستکش داد و گفت دست‌تان کنید که میرویس قبول نکرد و چوبی بلند را از داخل محوطه برداشت.

رئیس دادگاه: وارد ساختمان شدید، مرحوم مهرجویی و همسرش کجا بودند؟

اسکندر: در آشپزخانه بودند اما غذا نمی‌خوردند. خانم با دیدن ما به سمت اتاق فرار کرد. من و داوود به دنبال او رفتیم که در مسیر چاقو از دستم افتاد. خانم در را نگه‌داشته بود تا ما وارد نشویم که دو نفری در را هل دادیم و وارد اتاق شدیم. خانم گفت کی هستی؟ جی می‌خواهید؟ گفتیم طلاهایت را بده. خودش الگوها و دستبند را از دستش بیرون آورد و به من داد. یک پابند هم بود که گم شد. من دست‌هایش را بستم و داوود دهانش را بست.

رئیس دادگاه: با جی بیستی؟

اسکندر: بارچاهی مشکي.

رئیس دادگاه: بعد چه شد؟

اسکندر: کریم عصبانی وارد اتاق شد. چاقوی دسته زرد خونی بود.

آن را به من داد و تهدید کرد اگر خانم را نکشم، مرا می‌کشد. از ترس چاقو را گرفتم و دو ضربه به دو طرف گردن خانم زدم. کمی خون روی لباسم ریخت. ترسیدم و عقب رفتم و چاقو از دستم افتاد. کریم چاقو را برداشت و ضربه محکمی به گردن خانم زد. دهان خانم بسته بود و سعی می‌کرد چیزی بگوید اما من نمی‌فهمیدم.

رئیس دادگاه: چه وسایلی سرقّت کردید؟

اسکندر: دنبال پول و طلا بودیم اما دو گوشی و هفت النگوی طلا را سرقّت کردیم. کریم آنها را به من داد و گفت تو داخل شهرک زندگی نمی‌کنی و بهتر است دست تو باشد. بعد من آنها را چال کردم. لباسم را در جوی آبی شستم و به خانه رفتم. چند روز بعد در عمق چاه در حال حفاری بودم که ماموران دستگیر کردند و من همه چیز را گفتم و وسایل سرقتی و چاقوها کشف شد.

رئیس دادگاه: چرا تلویزیون و فرش سرقّت نکردید؟

اسکندر: ضایع بود و همه متوجه می‌شدند دزدی کردیم. من پول لازم بودم و به همین خاطر با آنها همکاری کردم.

در ادامه وکیل متهم در دفاع از او گفت: موکلم در تمام مراحل تحقیقات و دادگاه صادقانه صحبت کرده است. او قصدی برای قتل نداشته و برای سرقّت به آنجا رفته بود. ضربه‌هایی که به مرحوم محمدی فر زده به خاطر اجبار و آواره بوده است. با توجه به صداقتش و کمک به کشف جرم درخواست تخفیف برای او دارم.

نماینده دادستان هم درباره دفاعیات متهم گفت: متهم تعریف کرده شب بعد از قتل خواب مرحوم محمدی فر را دیده و در سرویس بهداشتی خانه گریه کرده تا کسی متوجه نشود. او به قصد قتل زده و دست داوود را هم زخمی کرده است. قصد در مرحله نهایی خارج از اراده محقق نشده که شروع به قتل است.



میرویس

روایت قتل مهرجویی

میرویس آخرین متهمی بود که در جایگاه قرار گرفت. اتهام او هم براساس کیفرخواست، شروع به قتل، مباشرت در ضرب و جرح عمدی، مشارکت در سرقّت مسلحانه در شب، ورود به عنف و ورود و اقامت غیرمجاز است. میرویس برادر داوود است و اختلاف او با مرحوم مهرجویی یکی از سرنخ‌های کشف این جرم بود. این متهم با چوب به سرکارگردان سرشناس ضربه زده بود. او وقتی در جایگاه قرار گرفت، همه اتهاماتش به جز سرقّت را قبول کرد و گفت: من برای قتل آقای مهرجویی به آن خانه رفتم و قصد سرقّت نداشتم. وقتی وارد خانه شدم، آقا جلو آمد که من با چوبی که از محوطه برداشته بودم، چهار ضربه به سرش زدم. یکی از ضربه‌ها هم به دستش برخورد کرد. آقا همان طور ایستاده بود که کریم با چاقو به گردنش ضربه شد و او با شکم روی زمین افتاد.

رئیس دادگاه: غیر از شما کسی با چوب

مرحوم مهرجویی رازد؟

میرویس در حالی که گریه می‌کرد، گفت: نه فقط من زدم. بعد هم همانجا ایستادم و داخل اتاق نرفتم.

رئیس دادگاه: چرا گریه می‌کنی؟

میرویس: اشتباه کردم. دختر آقای مهرجویی تنها شد. من خودم دختر دارم و الآن بی‌ پدر شد.

رئیس دادگاه: پیش از قتل در خانه مرحوم

مهرجویی کار کرده بودی؟

میرویس: بله، سه ماه.

رئیس دادگاه: سرقّت هم کرده بودی؟

میرویس: از خانه آقای مهرجویی نه، از خانه همسایه‌اش سرقّت کردم که باید ۳۰ میلیون تومان می‌دام. به جای پول در شهرک کار کردم. وقتی تازه ازدواج کرده بودم، خانم محمدی فر، یک جاروبرقی به من داد و گفت برای همسرت ببر. هر وقت خرما لو جمع می‌کردم، خانم سهمی برای همسرم و خانواده همسرم می‌داد. آقای مهرجویی زود عصبانی می‌شد اما صابکبار می‌گفت او مرد بزرگی هست و احترامش را نگه‌دار.

رئیس دادگاه: پس انگیزه‌ات برای قتل چه بود؟

میرویس: مهرجویی مرا از شهرک بیرون کرد. از این موضوع ناراضی بودم. وقتی کریم تماس گرفت به من گفت شب بعد از قتل خواب مرحوم محمدی فر را دیده و در سرویس بهداشتی خانه گریه کرده تا کسی متوجه نشود. او به قصد قتل زده و دست داوود را هم زخمی کرده است. قصد در مرحله نهایی خارج از اراده محقق نشده که شروع به قتل است.

رئیس دادگاه: اما قبلاً به کریم گفته بودی

مهرجویی را می‌کشی؟

میرویس: اگر می‌خواستم کسی را بکشم، همسایه‌اش را می‌کشتم که از من شکایت کرد. وقتی کریم نقشه کشید با او همراه شدم، چون نمی‌رفتم همه فکر می‌کردند کار من است.

وکیل متهم سپس در دفاع از او گفت: «موکلم از آقای کیوی با یبانی برخورددار است. درخصوص اتهام شروع به قتل، مرحوم مهرجویی از قدرت بالایی برخوردار بود و در برابر میرویس مقاومت کرده بود. او قصد سرقّت نداشته و در عمل مادی جرم هم شرکت نکرده است.»

عدلیه

درخواست آزادی قاتل بلا تکلیف

مرد جوان که بابت شیطانی دختر جوانی را کشته بود، پس از ۹ سال بلا تکلیفی خواستار آزادی خود شد. اولیای دم به دلیل تفاضل دیه نتوانستند این حکم را اجرا کنند.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از زمستان سال ۱۳۹۳ و با گزارش قتل دختر ۲۳ ساله‌ای به نام سحر در خانه‌شان در محله فلاح تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد، این دختر در نبود مادر و برادرش خفه شده است. با بررسی دوربین‌های مدرسته، قاتل خیلی زود شناسایی شد. متهم نگهدار ساختمان نیمه‌کاره بود که قبل از فرار در مرز تایباد دستگیر شد.



به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه دادگاه، مادر سحر برای قاتل دخترش درخواست قصاص کرد و گفت: من و پسریم به شهرستان رفته بودیم و جسد دخترم سه روز در خانه مانده بود. متهم هم در دفاعیاتش اظهارات قبلی خود را تکرار کرد. به این ترتیب قضات او را به قصاص محکوم کردند.

سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من با قصد قبلی به خانه آنها نرفته بودم. به محض این‌که فهمیدم دختر جوان در خانه تنهاست فکر شیطانی به سرم زد و به آنجا رفتم. اما وقتی او مقاومت کرد از ترسم او را با ضربه‌های چاقو کشتم. در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و وی را به قصاص یا پرداخت تفاضل دیه از سوی اولیای دم محکوم کردند. با گذشت هشت سال از این جنایت، متهم سال گذشته نامه‌ای به دادگاه نوشت و خواستار تعیین تکلیف خود شد. در ادامه به این درخواست در شعبه دهم دادگاه کیفری یک رسیدگی شد. در ابتدای این جلسه مادر مقتول گفت: تنها خواستام قصاص قاتل دخترم است اما توان پرداخت تفاضل دیه را ندارم. از قضات درخواست دارم تفاضل دیه از بیت‌المال پرداخت شود.

متهم هم در دفاعیاتش گفت: در زندان بلا تکلیف هستم یا قصاصم کنید یا آزاد شوم. دیگر تحمل این وضع را ندارم. قضات دادگاه از پزشکی قانونی خواستند احتمال آزار د ختر جوان را قبل از مرگ مشخص کنند که کارشناسان اعلام کردند با توجه به این‌که جسد بعد از سه روز پیدا شد امکان بررسی این موضوع وجود نداشت. میرویس با توجه به این‌که جسد بعد از ۹۹ ضربه شلاق محکوم در پایان قضات، متهم را به قصاص و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند. متهم چند روز قبل دوباره نامه‌ای به دادگاه نوشت و خواستار تعیین تکلیف خود شد. او پس از انتقال به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران گفت: ۹ سال است در زندان بلا تکلیف هستم. اولیای دم یک بار مرا پای چوبه دار بردند اما مهلت گرفتند تفاضل دیه را پرداخت کنند اما ۹ سال است من در زندان مانده‌ام. تقاضا دارم با وثیقه آزاد شوم. قضات برای بررسی این درخواست وارد شور شدند.

اقدام به خودکشی بعد از قتل

مرد ۲۸ ساله برادر ناتنی اش را در محل شرکت او در محله میرداماد تهران با ۱۶ ضربه چاقو کشت و بعد از قتل اقدام به خودزنی کرد که زنده ماند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۱ ظهر چهارشنبه بیست و هفتم دی امسال زنی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اعلام کرد دعوی کارفرمایش و مردی، رنگ خون گرفته است. ماموران پس از حضور در محل، با جسد مردی ۵۶ ساله روبه رو شدند که بر اثر اصابت ۱۶ ضربه چاقو به قتل

رسیده بود. مرد ۲۸ ساله‌ای زخمی بود که به بیمارستان انتقال یافت. منشی شرکت در تحقیقات گفت: امروز برادر ناتنی مدیر شرکت به اینجا آمد. سمت اتاق برادرش رفت با او کمی حرف زد و بعد از دقایقی از من خواست بیرون بروم تا خصوصی باهم حرف بزنند. دقایقی که گذشت صدای فریاد و دعوی‌ایش بلند شد. هر چه در زدم در را باز نکردند. با کمک همسایه‌ها در را شکستیم و وارد شدیم که با دیدن پیکر غرق در خون دو برادر را پلیس تماس گرفتیم. ماموران در بیمارستان به بازجویی از متهم پرداختند که گفت: مقتول برادر ناتنی ام بود. با هم اختلاف و درگیری داشتیم. معتاد و بیکار بودم. برای گرفتن پول نزدش رفتم. با برادرم حرف زدم و خواستم پول بدهد که قبول نکرد. دعو او دیگری ما بالا گرفت. ضربه‌های چاقو را به او زدم که فوت کرد. بعد از مرگش دچار عذاب وجدان شدم و دو ضربه چاقو به خودم زدم اما زنده ماندم. محمد مهدی براعه، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف اولیه متهم او در بیمارستان تحت درمان است تا بعد از بهبود تحقیقات تکمیلی از او انجام گیرد.